

مفهوم‌سازی «نفس» در خطبه‌های نهج البلاغه بر مبنای استعاره مفهومی

صغری فلاحتی\* / مریم اطهری نیا\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

چکیده

استعاره مفهومی به عنوان یکی از مهمترین نظریه های شناختی، حوزه وسیعی از زبان و تجارب را تشکیل می دهد که در آن یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر فهمیده می شود. یکی از مؤلفه های مورد توجه در استعاره مفهومی، مفهوم سازی است که زبان با ایفای نقش در این فرایند، زمینه فرایندهای پیچیده تلفیق مفهومی را فراهم می نماید. مفهوم نفس به عنوان یکی از مباحث مهم موجود در نهج البلاغه، در قالب های استعاری گوناگونی نمود یافته و بررسی چگونگی مفهوم سازی آن می تواند تناظرها و زوایای نهفته محتوایی موجود در آن را، فرادید مخاطب قرار دهد. بر این مبنا پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به چگونگی مفهوم سازی نفس در خطبه های نهج البلاغه پرداخت و به این نتایج دست یافت که امام علی (علیه السلام) جهت تبیین مفهوم نفس از حوزه های مبدأ متفاوتی چون؛ انسان، سرمایه، کالا، حیوان سرکش و... بهره برده و نام نگاشت نفس به مثابه انسان از بسامد بالایی برخوردار است و بازنمایی نفس بر این مبنا، این امکان را برای مخاطب فراهم مینماید تا از طریق حوزههای ملموستر، به درک آسانتر و گستردهتری نسبت به لایه های مختلف نفس برسد.

واژگان کلیدی

نهج البلاغه، نفس، زبان‌شناسی شناختی، مفهوم‌سازی، استعاره مفهومی.

\* [falahati42@gmail.com](mailto:falahati42@gmail.com)

\*\* [m.atharinia@khu.ac.ir](mailto:m.atharinia@khu.ac.ir)

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی.

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه

از دیرباز و در دیدگاه نظریه‌پردازان علمای بلاغت، استعاره به عنوان یک صنعت ادبی جهت برجسته‌سازی کلام در کنار آرایه‌هایی چون تشبیه، مجاز و... مطرح بوده است اما زبان‌شناسان شناختی ماهیت و کارکرد جدیدی برای استعاره قائلند. از دیدگاه شناختی «استعاره دارای جنبه‌های مشخصی است که روابط میان دو مفهوم را تعریف می‌کند. از آنجا که بنیان تمامی استعاره‌ها بر شباهت است و تمام شباهت‌ها هم جزئی هستند تمام استعاره‌ها معمولاً برخی جنبه‌های حوزه خود را برجسته و بخش‌های دیگر را پنهان می‌کنند.» (لیوون، ۱۳۹۵: ۷۹) یکی از مهم‌ترین نظریه‌های شناختی که افق‌های جدیدی را در ارتباط با درک استعاره گشوده، استعاره مفهومی است که به عنوان یکی از اساسی‌ترین محورها در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. «لیکاف و جانسون با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم»، نگاه کلاسیک استعاره را به چالش کشیدند و ادعا کردند استعاره، تنها به حوزه زبان محدود نشده، بلکه سراسر زندگی روزمره و از جمله حوزه اندیشه و عملمان را نیز دربر گرفته است، به طوری که نظام مفهومی هر روزه ما - که بر اساس آن فکر و عمل می‌کنیم - ماهیتی اساساً استعاری دارد. این کتاب موجب شد تا بسیاری از خوانندگان به شناختی تازه از استعاره دست یابند.» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) به اعتقاد آنان، «جایگاه استعاره به کلی در زبان نیست بلکه خاستگاه آن را باید در چگونگی مفهوم‌سازی یک قلمرو ذهنی بر حسب قلمرو ذهنی دیگر یافت.» (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) به عبارت دیگر «ما علاوه بر این که استعاری حرف می‌زنیم، استعاری فکر می‌کنیم و عبارات استعاری موجود در زبان، منعکس‌کننده زیرساخت فکری ما هستند.» (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۶۵) نظریه معاصر استعاره «می‌تواند ماهیت زبان مذهبی را روشن کند و حوزه‌های وسیعی از زبان و در نتیجه، تجارب ما را شکل دهد.» (هریسون، ۲۰۰۷: ۱) چرا که متون دینی و مذهبی سرشار از مفاهیم انتزاعی متعددی است و استعاره مفهومی، ابزار و روش مناسبی جهت شناخت و درک مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس موجود در این متون به شمار می‌رود. نهج البلاغه نیز به عنوان یکی از متون مذهبی و ادبی در بردارنده عبارات استعاری و مفاهیم انتزاعی زیادی است که هر یک جنبه‌ای خاص از مفاهیم مرتبط را توصیف می‌کنند. نفس یکی از مفاهیم کلیدی و انتزاعی در نهج البلاغه است که در کلام ارزشمند امام علی (علیه السلام) جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و در قالب‌های استعاری گوناگونی و با ترکیبات و مصادیق متعددی مفهوم‌سازی شده است و تبیین چگونگی مفهوم‌سازی نفس و درک عمیق‌تر آن، به واسطه تحلیل استعاره مفهومی و برقراری ارتباط میان مفاهیم انتزاعی و گزاره‌های عینی امکان‌پذیر است و به واسطه آن

می‌توان به مفاهیم گوناگون نفس و زوایای نهفته محتوایی مرتبط با آن دست یافت و دیدگاه امام (علیه السلام) را درباره این مفهوم برای مخاطبان آشکار ساخت. در پرتو مطالب گفته شده، پژوهش حاضر بر آن است به چگونگی مفهوم‌سازی نفس در خطبه‌های نهج البلاغه در چارچوب استعاره مفهومی بپردازد و به این سوالات پاسخ دهد که: نفس در نهج البلاغه بر مبنای کدام حوزه‌های مبدأ ساخته شده و بر اساس دو حوزه (مبدأ و مقصد)، چه نام‌نگاشت‌هایی را در این مفهوم‌سازی می‌توان برداشت کرد و کدام نام‌نگاشت بیشترین بسامد را دارد؟

#### ۱.۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره استعاره‌های موجود در نهج البلاغه با رویکرد شناختی، نگاشته شده است که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه؛ رویکرد زبان‌شناسی شناختی» (۱۳۹۱) از مهتاب نورمحمدی و همکاران، مجله انجمن زبان و ادبیات عربی؛ نویسندگان در این پژوهش ضمن بررسی اصول این نظریه با نگاهی کلی، به تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه و بازسازی مدل‌های شناختی آن پرداختند. مقاله «استعاره مفهومی گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) با تکیه بر نهج البلاغه» (۱۳۹۷) از موسی عربی، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه؛ نویسنده در این پژوهش به بررسی مفهوم گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) در سه سطح؛ وجودی، ساختاری و جهتی پرداخته است.

درباره نفس در نهج البلاغه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله؛ مقاله «مراحل استكمال نفس از منظر نهج البلاغه» (۱۳۹۴) از هاشمی و ایوبی، فصلنامه النهج؛ نویسندگان در این مقاله به بیان مراتب و چگونگی منازل قوس صعودی و راهکارهای ارتقای نفس به سمت نقطه کمال پرداختند. مقاله دیگری با عنوان «نفس، ساحت‌های نفس و ارتباط نفسی میان خدا و انسان در نهج البلاغه» (۱۳۹۸) از عباسیان چالستری، که در پژوهش‌نامه علوی به چاپ رسیده است و نویسنده در این پژوهش ساحت‌های نفس و ارتباط نفسی را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که ارتباط ایمانی انسان یکی از روشن‌ترین مصادیق ارتباط نفسی ساحت‌های مختلف نفس میان انسان و خداوند است. همانطور که پیداست در این دو مقاله جنبه کلی نفس و ساحت‌های مربوط به آن مورد پژوهش قرار گرفته و جنبه شناختی و استعاری آن مدنظر نویسندگان نبوده است. لازم به ذکر است مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «توظيف الاستعارة المفهومية لتكوين المنظومة الاخلاقية في نهج البلاغة التقوى و هوى النفس نموذجاً (على اساس اللسانيات المعرفية)» از مرتضی قائمی در سال ۱۴۳۸ در مجله اللغة العربية و آدابها

به چاپ رسیده است. نویسنده در پژوهش مذکور با هدف نقش استعاره در مفاهیم اخلاقی، چگونگی به کارگیری استعارات مفهومی مربوط به تقوی و هوای نفس را با رویکردی شناختی مورد بررسی قرار داده است. آنچه که در این پژوهش مدنظر نویسنده بوده تبیین ماهیت و قلمرو استعاری تقوا و هوای نفس و شهوت با رویکردی شناختی است و بررسی واژه نفس به تنهایی با ابعاد گسترده معنایی آن مورد توجه پژوهشگر نبوده است ضمن اینکه مواردی که برای تحلیل شناختی در ارتباط با نفس ذکر نمودند بیشتر از نامه‌های موجود در نهج البلاغه است. لذا با توجه به اینکه نفس یک مفهوم کلیدی و پرکاربردی در نهج البلاغه است و معنی نفس فقط منحصر در هوای نفس و شهوت نیست، پژوهش حاضر بر آن است با در نظر گرفتن معانی و کاربردهای متنوع نفس به تحلیل مفهوم‌سازی نفس در خطبه‌های نهج البلاغه بر مبنای استعاره مفهومی که تاکنون از این منظر پژوهشی در آن صورت نگرفته است، بپردازد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲.۱. استعاره و مفهوم‌سازی

بحث درباره استعاره همواره موضوع تحقیقات مختلفی در طول قرن‌ها بوده است. مشهورترین و قدیمی‌ترین دیدگاه در زمینه‌ی استعاره به ارسطو بر می‌گردد که استعاره را افزوده‌ای بر عملکرد عادی - تحت‌اللفظی - زبان می‌داند. (پاتر، ۱۳۹۴: ۲۴) در این دیدگاه «زبان دو صورت مختلف دارد: یکی صورت تحت‌اللفظی که صورت اصلی زبان است و دیگر، صورت استعاری، صورت ثانوی و تحریف شده آن است. عبارت‌های استعاری، جایگزین عبارت‌های تحت‌اللفظی می‌شوند که همان معنا را دارند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۲) در زبان عربی قدیمی‌ترین منبعی که نشانی از استعاره به مفهوم رایج آن شده، تعبیری است که جاحظ در البیان و التبیان آورده است. استعاره؛ نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلیش، هنگامی که جای آن چیز را گرفته باشد. (جاحظ، ۱۴۱۲: ۶۱) عبدالقاهر جرجانی استعاره را «تصویری می‌داند که اساس آن بر پایه تشبیه است.» (الجرجانی، ۱۹۸۸: ۴۱) اما در دوره معاصر استعاره به عنوان موضوعی حائز اهمیت در زبان‌شناختی از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط لیکاف (زبان‌شناس شناختی آمریکایی) و مارک جانسون (فیلسوف) در کتابی با عنوان استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، مطرح شد. (کووچش، ۱۳۹۳: ۶) به اعتقاد لیکاف و جانسون «نظام مفهومی معمول ما که در چارچوب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم ماهیتی است اساساً استعاری. مفاهیم حاکی بر اندیشه ما تنها منحصر به خرد نیستند این مفاهیم عملکردهای هر روزه ما تا معمولی‌ترین جزئیات را نیز کنترل و هدایت می‌کنند.

مفاهیم ما ساختار آن چه را که درک می‌کنیم شکل می‌دهند و چگونگی حرکت ما در جهان و رابطه‌مان با دیگران را تعیین می‌کنند. بنابراین، نظام مفهومی ما نقشی اساسی در تعیین واقعیت‌های روزمره دارد.» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۳) تحقیقات آنان «ثابت کرد که کاربردهای استعاره، محدود به حوزه مطالعات ادبی و کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست؛ استعاره، همچون ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود. از این دیدگاه استعاره بر حسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌های ناآشنا، با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد و نقشی بسزا در جولان فکری و تخیل ایفا می‌کند. همچنین تعداد زیادی از طبقه‌بندی‌ها و استنباط‌های ما بر حسب استعاره‌ها صورت می‌گیرند و بسیاری از مفاهیم، به خصوص مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه دیگر، نظم می‌یابند. بدین ترتیب توجه به بیان استعاری به ویژه از این نظر اهمیت دارد که تبیین جدیدی از کارکرد مغز در برخورد با جهان پیرامون در اختیارمان می‌گذارد.» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) یکی از مولفه‌های مورد توجه در استعاره، مفهوم‌سازی است که عبارت است از آنچه به وسیله حواس پنج‌گانه انسان درک می‌شود و در قالب‌های ارتباطی مجزا، اما مرتبط با هم در ذهن طبقه‌بندی و ذخیره می‌شود و به صورت مفهوم در ذهن انباشته می‌شود. (ر.ک: عبدالکریمی، ۱۳۹۳: ۱۵۲) مراد از مفهوم‌سازی، فرایند معناسازی است که زبان نیز در آن نقش دارد. زبان از این راه معناسازی می‌کند که معرفت دایره‌المعارفی بسیار غنی را در دسترس قرار می‌دهد و زمینه فرایندهای پیچیده تلفیق مفهومی را فراهم می‌سازد. مفهوم‌سازی با پویایی اندیشه بشر که زبان نیز در آن نقش دارد ارتباط دارد. بنا به زبان‌شناسی شناختی، واحدهای زبانی از قبیل واژه‌ها حامل معنا نیستند بلکه در فرایند تشکیل معنا که در سطح مفهومی رخ می‌دهد، سهیم هستند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۶۳)

## ۲.۲. استعاره مفهومی، نام‌نگاشت، حوزه مبدأ، حوزه مقصد

استعاره از منظر زبان‌شناسی شناختی، تنها یک آرایه زبانی محسوب نمی‌شود، بلکه «ساز و کاری شناختی است که از طریق آن یک حوزه تجربی به طور تقریبی بر حوزه تجربی دیگر نگاشت می‌شود، به طوری که حوزه دوم تا حدودی از طریق حوزه اول درک می‌گردد. (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۶) بر اساس نظریه استعاره مفهومی، مفاهیم مبدأ معمولاً از لحاظ تجربی واقعی هستند و «ریشه در بدن» انسان دارند، در حالی که مفاهیم مقصد اغلب انتزاعی‌اند و مستقیماً تجربه‌پذیر و قابل درک نیستند. گفتیم که بر اساس استدلال ساختار مفهومی، بیشتر مفاهیم استعاری هستند، از این رو درک مفهومی ما نیز عمدتاً تابع

ماهیت بدن ما و محیطی فیزیکی است که بدن در آن به فعالیت می‌پردازد. مطالعه مبنای بدنی شناخت در انسان، شناخت بدن مند نامیده می‌شود. (تیلور، ۱۳۹۶: ۸۲ و ۸۳) لیکاف و جانسون مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی‌تر و متعارف‌تر است، قلمرو مبدأ و مجموعه دیگر را که دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو مقصد یا هدف می‌خوانند. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) به عنوان مثال در استعاره «عشق سفر است»، حوزه مفهومی «عشق»، حوزه مقصد و حوزه مفهومی «سفر»، حوزه مبدأ خوانده می‌شود. بنابراین فرمول «درک مفاهیم از دیدگاه لیکاف و جانسون این گونه دانسته می‌شود: ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (مقصد) را بر پایه مفاهیم عینی (مبدأ) می‌شناسد. (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۴۰) یا هنگامی که گفته می‌شود «سر ساعت دو منتظرت هستم» واژه «سر» به قلمرو موجود زنده «حوزه مبدأ» تعلق دارد که به حوزه وقت «حوزه مقصد» توسعه داده شده. حوزه مبدأ قلمرو معنای تحت اللفظی و حوزه مقصد قلمرو معنای استعاری یا مفهوم‌سازی استعاری است. (قائم‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۸ و ۴۹) بر این اساس حوزه‌های مبدأ متعددی در استعاره مفهومی فهرست‌بندی می‌شوند و نویسنده با استفاده از استعاره‌های موجود در زبان، در صدد انتقال امور ذهنی و انتزاعی به صورت عینی و ملموس به مخاطب است. مفهوم «اصلی در نظریه استعاره مفهومی نگاشت است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و بر تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر (عشق سفر است) را «نام‌نگاشت» می‌نامد که در واقع بازنمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و «نگاشت» را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند.» (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷ و ۶۸) با توجه به مطالب بیان شده، جهت درک و دریافت مفاهیم انتزاعی باید نام‌نگاشت‌های مرتبط با آنها را بر اساس دو حوزه؛ مبدأ و مقصد استخراج نمود.

### ۳. مفهوم‌سازی نفس در خطبه‌های نهج البلاغه

صاحبان معاجم و لغت‌پردازان بر اساس کاربرد گوناگون واژه نفس در دوره‌های مختلف، معانی متعددی برای آن برشمرده‌اند. از جمله معانی نفس؛ «روح آدمی، چشم، آب، خون، شیء ارزشمند» (ابن درید، ۱۹۸۷: ۸۴۸/۲) «حقیقت و ذات شیء، روح، جسد و جسم و حالتی که روح در آن قرار می‌گیرد» (ابن منظور، ماده روح، ۱۴۱۴: ۲۳۴/۶) می‌باشد. به تعبیری دیگر نفس به معنی «روح که هستی جسم و بدن به آن وابسته است، می‌باشد و هر انسانی به آن نفس اطلاق می‌شود حتی آدم علیه السلام و هر چیزی به ملاحظه ذاتش نفس است و کسی که دارای نفس است یعنی دارای صفات پسندیده و ذکاوت و سخاوت است.» (الفراهیدی، بی‌تا: ۲۷۰/۷) امام علی علیه السلام در نهج البلاغه نفس را در معانی مختلف آن مورد

استفاده قرار داده است از جمله در معنی؛ خدا، جسم، ذات انسان، روح مجرد، نفس اماره، شیطان، حیوان و .... که در این نوشتار مفهوم‌سازی نفس بر مبنای چیزی که در استعاره مفهومی مطرح است، یعنی مفهوم‌سازی مفاهیم کمتر قابل فهم اعم از انتزاعی و مادی در قالب مفاهیمی بیشتر قابل فهم و عینی‌تر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که نفسی که امام (علیه السلام) در نهج البلاغه بیان فرمودند یک مفهوم عینی و ملموس نبوده و امام (علیه السلام) با مفهوم‌سازی‌های متعدد این مفهوم کمتر قابل فهم را با قالب‌های استعاری گوناگون به صورت ملموس، بازنمایی و آشکار نموده‌اند.

### ۳. ۱. ۱. نفس به مثابه انسان

از جمله نام‌نگاشت‌های برداشت شده درباره‌ی واژه نفس در نهج البلاغه نام‌نگاشت؛ نفس، انسان است، می‌باشد که امام (علیه السلام) جهت بیان مفهوم نفس با بهره‌جستن از استعاره مفهومی و با نسبت دادن صفات و ویژگی‌های انسان به نفس، مفهوم آن را ملموس‌تر و عینی‌تر به مخاطب القا نموده است. این نام‌نگاشت در عبارات زیر بازنمایی شده است:

### ۳. ۱. ۱. داشتن همراه و حضور نفس

در فرازی از خطبه ۸۵ که امام (علیه السلام) با اقتباس از آیه ۲۱ سوره (ق) لحظه وارد شدن به صحنه محشر را به تصویر می‌کشد نفس به مثابه انسانی مجسم می‌شود که دو فرشته الهی سائق و شاهد او را همراهی می‌کنند:

«كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ: سَائِقٌ يُسَوِّفُهَا إِلَىٰ مَحْشَرِهَا وَشَهِيدٌ يَشْهَدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا» (خطبه ۸۵)؛

«با هر کسی يك راننده و يك گواهی دهنده‌ای است: راننده‌ای (مرگ) که او را به محشر می‌راند، و گواهی دهنده‌ای (اعضاء و جوارح) که به کردار (نیک و بد) او گواهی می‌دهد.»

سائق از مصدر سیاق است که به معنای «وادار کردن حیوان به راه رفتن است، که در این صورت راننده در عقب حیوان قرار دارد، و حیوان را می‌راند. به عکس «قیادت» که به معنای کشیدن حیوان از جلو است» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۲۱/۱۸) و «آن چیزی است که انسانها را به سوی محشر می‌راند و آن عبارت از حکم خداوندی و عوامل نزدیک به مرگ می‌باشد، که بر نفس انسان حاکمیت یافته و آن را به معادش باز می‌گرداند.» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۵۸۵/۲) در این قسمت، ویژگی انسان یعنی داشتن همراه باعث شده نفس (حوزه مقصد) به صورت انسانی که کسانی او را همراهی می‌کنند (حوزه مبدأ) درک شود. البته در نگاهی دقیق‌تر می‌توان حضور نفس را هم از این جمله برداشت کرد که در این حالت هم نام‌نگاشت نفس به منزله انسانی که حاضر می‌شود در ذهن تداعی می‌شود.

۳. ۱. ۲. دشمن بودن نفس

در فراز اول خطبه ۸۷ امام (علیه السلام) در وصف صفات اولیای خدا و پرهیزگاران می‌فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ» (خطبه ۸۷)؛

«دوست‌ترین بندگان نزد خدا بنده‌ای است که خداوند او را بر تسلط بنفس خویش کمک و یاری کرده است.»

با دقت در این جمله این تصور که انسان با دشمن خود سر مبارزه و پیکار دارد در ذهن تداعی می‌شود و امام (علیه السلام) در این بخش از خطبه، نفس را به مثابه دشمن (حوزه مبدأ) قلمداد نموده که همان نفس شیطانی و اماره اوست و محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند کسی است که خداوند او را در پیکار بر نفسش یاری کرده است.

از دیگر بازنمودهای زبانی این مفهوم را می‌توان در عبارات زیر مشاهده کرد:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعَنْ عَلَى نَفْسِهِ...» (خطبه ۹۰)؛

«و بدانید کسی که از خویشتن کمک و یاری نشود...» /

«وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى نَفْسِي وَأَنْفُسِكُمْ...» (خطبه ۱۳۳ و ۱۸۳)؛

«و برای خود و شما از خدا یاری می‌جوییم.»

معمولاً انسان در مقابله و مبارزه با دشمن از دیگران درخواست کمک می‌کند و در اینجا نیز نفس شیطانی به منزله دشمن پنداشته شده که با یاری طلبیدن از خداوند قابل کنترل است و امام (علیه السلام) جهت غلبه بر نفس خود و پیروانش از خداوند مدد می‌جوید. یا در فرازی دیگر که امام (علیه السلام) به بندگان خدا هشدار می‌دهد به مانند کسی که بر نفسش پیروز گشته بر حذر باشید:

«فَأَحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ، حَذَرَ الْعَالِبِ لِنَفْسِهِ» (خطبه ۱۶۱)؛

«بندگان خدا بترسید مانند برحذر بودن کسی که بر نفس خود تسلط داشته.»

پیروزی به نفس نسبت داده شده تا دشمن بودن نفس برای مخاطب ملموس شود.

۳. ۱. ۳. اسیر بودن نفس

از دیگر مفاهیمی که امام (علیه السلام) برای نفس به کار برده‌اند مفهوم اسارت است:

«فَمَنْ اسْتَطَاعَ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْتِقَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيُفْعَلْ» (خطبه ۱۵۶)؛

«هنگام آن فتنه و تباہکاری کسی که توانائی اطاعت و فرمانبرداری خدا داشته باشد، بایستی بجا آورد.»



«مفهوم «يعتقل نفسه» - با توجه به این که «يعتقل» از ماده عقل به معنای بازداشتن است - آن است که نفس خویش را تنها وقف فرمان خدا کند که بالاترین درجه عبودیت و اطاعت است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۳۲/۶) با توجه به هم‌آیی واژه یعتقل با نفس، نفس به مانند انسان اسیر به ذهن متبادر می‌شود زیرا شخصی که اسیر است تحت فرمان و سلطه است در اینجا هم نفس همچون اسیری مفهوم‌سازی شده که باید مطیع و وابسته به فرمان خداوند باشد و از وارد شدن در فتنه‌ها دوری کند.

### ۳. ۱. ۴. دوست بودن نفس

اینکه امام (علیه السلام) در این فراز از خطبه می‌فرماید:

از جسمتان بگیرید و به نفستان ببخشید

«وَحُدُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فُجُودًا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (خطبه ۱۸۳)؛

«و اندامتان را فدای جانهایتان نمائید.» نفس را در قالب انسانی که مانند دوست است برای انسان در نظر گرفته که با لزوم بخشش به نفس این مفهوم پررنگ‌تر می‌شود. این مفهوم در عبارت زیر نیز نمود یافته است:

«وَمَا أَسْأَلُ بِهَلَاكَةِ نَفْسِكَ» (خطبه ۲۲۳)؛

«و چه چیز تو را به تباه کردن خویش مأنوس ساخته؟»

با هم‌آیی جمله استفهامی که بیانگر سرزنش و ملامت است و نفس با این مضمون که چه چیزی تو را نسبت به هلاکت نفست علاقه‌مند ساخته است؟ مؤید این مطلب است که، نفس به مانند دوست است چرا که طبیعی است که امام (علیه السلام) از هلاکت نفسی که به مانند یک دوست وسیله رستگاری و کمال است انسان را مورد سرزنش قرار می‌دهد نه نفس اماره و سرکش.

### ۳. ۱. ۵. خیره شدن و نگاه کردن

امام علی (علیه السلام) در وصف افراد پرهیزگار می‌فرماید:

«وَتَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا» (خطبه ۱۹۳)؛

«و با شوق به آن نظر می‌کنند.» تطَّلَع «به معنای سرکشیدن برای یافتن چیزی است.»

(مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۵۲/۷)

سرکشیدن و خیره شدن از ویژگی‌های انسان است و امام (علیه السلام) نفس را به مثابه انسانی فرض کرده که از روی شوق و علاقه به آیات قرآن خیره می‌شود و نگاه می‌کند. بنا بر نظر الکیدری «تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ...»

یعنی نزدیک بود خورشید نفسشان طلوع کند.» (المجلسی، ۱۴۰۸: ۳۵۳/۲) در این صورت نفس به مثابه خورشید است که با تلاوت آیات رحمت، منبع نور و روشنایی می‌شود و همه جا را روشن می‌کند.

### ۳. ۱. ۶. گروگان بودن نفس

استعاره نفس به مانند گروگان، حوزه مقصد نفس را با حوزه حسی تر مبدأ که همان گروگان است مرتبط می‌کند:

«وَأُخِذَتِ الرَّهِيْنَةُ» (خطبه ۲۰۲)؛

«و گروگان دریافت شد.»

و انطباق میان نفس انسان به عنوان یک مفهوم انتزاعی از طریق گروگان که زیر مجموعه انسان است، صورت گرفته است. علت اینکه از واژه رهینه استفاده شده به این دلیل است که «تمام نفسها در گرو وفای به عهده می‌باشند که با خدای خود داشته‌اند و آن پیمانی است که در هنگام فرود آمدن از جهان معقول به عالم محسوس از او گرفته‌اند که به سوی او برگردند در حالی که از خشم او در امان باشند و به اوامر او عمل کند و از غضب او در امان باشد و از راهی که پیامبر برای آنها معین کرده منحرف نشوند اگر به این پیمان وفا کند از گروی در می‌آید و پاداش او چند برابر می‌شود.» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴/۴)

### ۳. ۱. ۷. میراندن نفس

امام علیه السلام در معرفی سالک الی الله می‌فرماید:

«قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَأَمَاتَ نَفْسَهُ» (خطبه ۲۲۰)؛

«به تحقیق (مؤمن) عقل خویش را زنده کرده و نفس خود را میرانده.»

در این عبارت نیز نفس به مثابه انسانی در نظر گرفته شده و ویژگی میراندن به آن نسبت داده شده است که بر مبنای اجزای استعاره مفهومی، نفس به عنوان حوزه مقصد و انسان به عنوان حوزه مبدأ در نظر گرفته می‌شود. البته می‌توان در این عبارت، بر این اساس که مردن فقط مختص انسان نیست و تمامی جانداران را در برمی‌گیرد، نام‌نگاشت «نفس، جاندار است» را نیز در نظر گرفت اما چون عکس‌العمل نفس بیشتر درباره انسان و حرکات و سکنتات انسانی مطرح است حوزه مبدأ را همان انسان در نظر می‌گیریم که در زیر مجموعه کلان استعاره جاندار جای می‌گیرد.

در موارد دیگر نیز امام علیه السلام با عبارت‌های زبانی مختلف و نسبت دادن ویژگی‌های انسانی چون؛

اهتمام ورزیدن؛

«هَمَامَةٌ نَفْسٍ» (خطبه ۱)

ملامت و سرزنش کردن؛

«وَلَا تَيْلُمُ لِأَيْمٍ الْأَنْفُسَةَ:» (خطبه ۱۶).

ناتوانی و حقارت؛

«مِهَانَةٌ نَفْسِهِ / ضُؤْلَةٌ نَفْسِهِ» (خطبه ۳۲).

رخصت دادن و مماشات کردن؛

«لَا تُرَخِّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَلَا تَدَاهِنُوا...» (خطبه ۸۶).

همهمه نمودن؛

«وَمَا هُمْ كُلُّ نَفْسٍ هَامِيَةٍ» (خطبه ۹۱).

شیفتگی؛

«وَلَهَتْ عَلَيْهَا نَفْسُهُ:» (خطبه ۱۰۹).

شکیبایی ورزیدن؛

«وَلْيُصِرْ نَفْسَهُ» (خطبه ۱۴۰).

عزیز بودن و محبوب بودن؛

«اللَّهُ اللَّهُ فِي أَعْرَ الْأَنْفُسِ عَلَيْكُمْ وَأَحَبُّهَا إِلَيْكُمْ / أَمَا تَرَحَّمُ مِنْ نَفْسِكَ؟... عَزَاكَ عَنِ الْبُكَاءِ

عَلَى نَفْسِكَ وَهِيَ أَعْرَ الْأَنْفُسِ عَلَيْكَ؟» (خطبه ۱۵۷ و ۲۲۳)

وعده دادن، کناره‌گیری کردن از لذتها و مواهب دنیوی؛

«وَأَى عَلَى نَفْسِهِ / لَعَزَفَتْ نَفْسَكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا» (خطبه ۱۶۵).

بازداشته شدن، اشتیاق و تمایل به نافرمانی، فرو افتادن در خواهش‌های نفسانی و متهم دانستن؛

«فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مَنَزَعًا وَإِنَّهَا لَا تَزَالُ تُنَزِعُ إِلَى مَعْصِيَةٍ فِي هَوَى... وَنَفْسُهُ طُنُونٌ عِنْدَهُ»

(خطبه ۱۷۶)، «فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ:» (خطبه ۱۹۳)

قناعت، پاکدامنی و به زحمت و سختی انداختن؛

«أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ» / «قَانِعَةٌ نَفْسُهُ» / «أَتَعَبَ نَفْسَهُ» (همان) به نفس سبب شده مفهوم نفس به

عنوان حوزه مقصد، در چارچوب صفات و ویژگی‌های انسانی در قالب انسان به عنوان حوزه

مبدأ نمود پیدا کند و به صورت عینی و محسوس تبیین و قابل درک شود. و این

شخص‌انگاری «به ما اجازه می‌دهد که گستره وسیعی از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های

غیرانسانی را در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی درک کنیم.»  
(لیکاف، ۱۳۹۴: ۶۱)

۲.۳. نفس به مثابه سرمایه:

در نگاه امام (علیه السلام)، نفس به مانند سرمایه‌ای است که اگر انسان از آن به عنوان سرمایه وجودی‌اش به خوبی استفاده نکند زیان و ضرر می‌بیند:

«الْمُعْتَبُونَ مَنْ عَبَنَ نَفْسَهُ» (خطبه ۸۶):

«فریب خورده کسی است که زیان بخود روا دارد.»

همانطور که می‌دانیم سرمایه از اصلی‌ترین وسیله جهت کسب سود و تجارت به حساب می‌آید و امام (علیه السلام) با مفهوم‌سازی نفس به صورت سرمایه، ارزشمند بودن و گرانبها بودن نفس را می‌رساند و بیان می‌کند که بر هر شخص لازم است تا از این سرمایه به خوبی استفاده کند تا سود ببرد:

«فَلْيَنْتَفِعِ امْرُؤٌ بِنَفْسِهِ» (خطبه ۱۵۳):

«پس باید مرد از خود سود برد.»

و با استفاده از واژگان مرتبط با سرمایه چون؛ غبن و نفع، امکان درک مفهوم نفس را به عنوان حوزه انتزاعی و مقصد برای مخاطب فراهم می‌نماید.

۳.۳. نفس به مثابه کالا:

الگوبرداری استعاری «نفس، کالا است» را می‌توان در عبارات زیر از کلام امام (علیه السلام) دریافت:

«عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُزْنُوا» (خطبه ۹۰):

«خودتان را (در دنیا به میزان عدل) بسنجید پیش از آنکه (در آخرت به میزان عمل) سنجیده

شوید.»

در این قسمت، نفس به منزله کالایی در نظر گرفته شده که قابل اندازه‌گیری است. مقصود از «وزن کردن نفوس در دنیا رسیدگی به اعمال و تطبیق دادن آنها بر ترازوی عدالت است» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۶۷۰/۲) و مؤید این نام‌نگاشت با هم‌آیی واژه «زنوا» با «نفس» است و امام (علیه السلام) نفس را همچون کالایی که وزن می‌شود، در نظر می‌گیرد و با الگوسازی نفس (حوزه مقصد) به صورت کالا (حوزه مبدأ)، مفهوم انتزاعی نفس را به صورت ملموس و عینی به تصویر می‌کشد. در ادامه خطبه، محاسبه نفس با تعبیر:

«وَحَاسِبُوهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا»؛

«و به حساب خویش رسیدگی کنید پیش از آنکه حساب شما را واریسی نمایند.»

همین نام‌نگاشت را تایید می‌کند چرا که نفس به مانند کالا یا متاعی فرض شده که باید مورد حسابرسی قرار بگیرد. مشابه این مفهوم‌سازی در فراز پایانی خطبه ۲۲۲ که به رسیدگی به حساب نفس اشاره دارد نیز به کار رفته است:

«حَاسِبٌ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ؛ فَإِنَّ غَيْرَ هَامِنِ الْأَنْفُسِ لَهَا حَاسِبٌ غَيْرُكَ» (خطبه ۲۲۲)؛

«پس تو خود به حساب خویش برس زیرا به حساب دیگران محاسبی غیر از تو می‌رسد.»

۴.۳. نفس به مثابه ظرف:

از دیگر نام‌نگاشت‌های برداشت شده در مفهوم‌سازی نفس می‌توان به «نفس به مثابه ظرف است» اشاره کرد که در عبارات زیر نمود یافته است:

«وَاقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ وَاعْقِلُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (خطبه ۱۲۱)؛

«و از کسی که پند و اندرز را هدیه و ارمغان به شما می‌دهد قبول کنید و آن را برای خویش حفظ نمائید.»

در این فراز، امام (علیه السلام) برای این که اصحاب و یارانش در دام فتنه نیفتند می‌فرماید: و نصیحت را از کسی که به شما هدیه می‌کند پذیرا شوید و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۲۵/۵) یا در فرازی از خطبه ۱۶۰ که امام (علیه السلام) از زهد پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن می‌گوید آمده است:

«أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ... فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ» (خطبه ۱۶۰)؛

«یاد آن را از خود دور ساخت ... پس (علاقه به) آن را از خود بیرون کرده.»

در عبارات مذکور، نفس انسان در حکم ظرفی مجسم شده که دارای درون و بیرون است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) یاد دنیا را در ظرف نفس میراند و حب و محبت دنیا را از درون نفس بیرون انداخت. یا در عبارات:

«وَإِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نَفْسِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)

«برای جا دادن فروتنی در جان‌هایشان»

«عَظُمَ الْحَاقِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ» (خطبه ۱۹۳)

«خداوند در نظر آنان بزرگ است.»

«إِنَّ مِنْ حَقِّ مَنْ عَظَّمَ جَلَالَ اللَّهِ فِي نَفْسِهِ» (خطبه ۲۱۶)

«کسی را که جلالت خدا در نزد او با اهمیت است.»

نیز نفس به مانند ظرفی تصور می‌شود که دارای حجم و بعد است و تواضع و فروتنی و جلال و بزرگی خداوند در درون آن جای می‌گیرد و امام (علیه السلام) با این تعبیر استعاری، وسعت و گستردگی نفس انسان را به مانند ظرفی که گنجایش دارد تواضع و بزرگی و عظمت خداوند را در خود جای دهد، مفهوم‌سازی می‌کند تا درک بهتری از مفهوم نفس حاصل شود.

### ۵.۳. نفس به مثابه حیوان سرکش

این نام‌نگاشت از عباراتی چون:

«تَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)؛ «رام کردن جانهاشان»،

«إِنْ اسْتَضَعَبْتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فِيمَا تَكْرَهُ لَمْ يُعْطَهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ» (خطبه ۱۹۳)؛

«اگر نفس در آنچه که مائل نیست با او سرکشی کند خواسته آن را در آنچه دوست می‌دارد انجام ندهد»

«أَمْرٌ وَأَلْجَمُ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَزَمَّهَا بِزَمَامِهَا، فَأَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ وَقَادَهَا بِزَمَامِهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (خطبه ۲۳۷)؛

«مردی است که نفس خود را در دهان بند زده و مهار آن را در اختیار دارد، پس خود را با دهان بند نفس از آنچه خداوند نهی فرموده باز داشته و به مهار آن خویش را به سوی طاعت و فرمانبری از خداوند می‌کشد»

و با دقت در معانی واژگان این عبارات از قبیل: (رام کردن، سرکشی کردن و مهار کردن) و ارتباط مفهومی میان آنها قابل برداشت است: «اسْتَضَعَبْتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ أَي صَارَتْ صَعْبَةً غَيْرَ مَنْقَادَةٍ»: (ابن ابی الحدید، بی تا: ۱۵۵/۱۰) یعنی سخت و نافرمان شد. در عالم واقع حیوان به سرکشی و نافرمانی معروف است در این عبارت امام (علیه السلام) جهت مفهوم‌سازی نفس از فعل استضعبت استفاده کرده است تا نافرمانی نفس برای مخاطب ملموس و مجسم شود. «أَمْرٌ وَأَلْجَمُ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَزَمَّهَا بِزَمَامِهَا... معمولاً برای مهار کردن مرکبهای سرکش از دو وسیله استفاده می‌شود: یکی (لجام) که طناب یا فلزی است که در دهان حیوان گذارده می‌شود و با طنابی بسته شده و در دست کسی که سوار مرکب است قرار می‌گیرد و (زمام) آن ریسمانی است که از سوراخی که در بینی حیوان است می‌گذرانند و به وسیله طنابی به دست سوارکار می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۷۱/۸) که با هم‌آبی لجام و زمام این نام‌نگاشت که نفس انسان به مانند حیوانی بسیار سرکش تصور می‌شود را تقویت می‌کند.

### ۳.۶. نفس به مثابه ماده سیال

در بخش‌هایی از خطبه ۱۹۷ که امام علی (علیه السلام) لحظات پایانی عمر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را شرح می‌دهد:

«لَقَدْ سَأَلْتُ نَفْسَهُ فِي كَفِّي» (خطبه ۱۹۷)؛

«و بر روی دستم جان از بدنش جدا شد.»

بر مبنای تفسیری که نفس را در این عبارت روح مقدس انسانی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۶۶۱/۷) نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منزله ماده سیالی مانند آب قلمداد شده که «به هنگام جدا شدن از بدن بر دست امام علی (علیه السلام) قرار گرفت و امام علی (علیه السلام) آن را به صورت خود کشید. (هاشمی خوئی، ۱۳۲۴: ۲۴۱/۱۲) این مفهوم در خطبه ۲۰۲ که امام علی (علیه السلام) بعد از خاکسپاری حضرت زهرا (س) ایراد فرمودند نیز آمده است:

«فَأَصَّتْ بَيْنَ مَخْرِي وَصَدْرِي نَفْسًا» (خطبه ۲۰۲)؛

«بین گردن و سینه‌ام جان از تنت خارج شد.»

اما اگر منظور از نفس بنا بر تفاسیری که آمده است خون آن حضرت باشد در اینصورت نفس در معنای خودش که خون باشد به کار رفته است چرا که «بعضی از شارحان نهج البلاغه «نفس» را در اینجا به معنای خون گرفته‌اند (زیرا یکی از معانی «نفس» خون است) و گفته‌اند: به هنگام رحلت پیامبر خون مختصری از دهان آن حضرت بیرون پرید و بر سینه علی (علیه السلام) نشست؛ ولی این تفسیر، بعید به نظر می‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۵/۸)

### ۳.۷. نفس به مثابه امانت

در خطبه‌ای که امام علی (علیه السلام) غم و اندوه خود را در فراق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (س) بیان

فرموده نفس را به مانند امانت مفهوم‌سازی نموده:

«فَلَقَدْ اسْتُرِحَّتِ الْوَدِيعَةُ» (خطبه ۲۰۲)؛

«همانا امانت پس گرفته شد.»

و بر مبنای استعاره مفهومی، امانت حوزه ملموس و مبدأ برای نفس (حوزه مقصد) است که باید به صاحبش بازگردانده شود چرا که «ارواح در این بدن‌ها، از آن نظر که باید در حفظ آن کوشش شود تا به سوی صاحب خود برگردند، مانند امانت هستند.» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۴/۴) یا در عبارت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْجِعُهَا مِنِّي وَدَائِعِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي» (خطبه ۲۱۵)

«بار خدایا جان مرا اولین امانتی قرار ده که از نعمت‌های امانت گذاشته خود نزد من بر

می‌گردانی.»

نیز نفس انسان همچون امانتی قلمداد شده که به مانند امانت باید به خداوند برگردانده شود.

### ۳. ۸. نفس به مثابه اعضا و جوارح بدن

نفس به مانند اعضا و جوارح بدن در عبارت زیر بازنمایی شده است:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَامِي» (خطبه ۲۱۵)

«بار خدایا جان مرا نخستین چیز گرامی قرار ده که از اعضای گرامی من (مانند چشم و گوش و دست و پا و سائر اعضا) می‌گیری»

«کریمه» در اصل به معنای شخص با ارزش و اشیای گرانبهاست و در جمله مذکور، اشاره به اعضای مهم انسان؛ مانند چشم و گوش و زبان است. «(مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۲۹/۸) در این مفهوم‌سازی نظام‌مند که نفس به مانند اعضای بدن نمود یافته، امام (علیه السلام) با تعبیری ملموس، مفهوم نفس را عینی جلوه می‌دهد و می‌فرماید: خدایا از چیزهای ارزشمند زندگیم اولین چیزی که از من می‌گیری نفسم باشد.

### ۳. ۹. نفس به مثابه جسم

در برخی از فرازهای خطبه‌های نهج البلاغه نفس انسان به مانند جسم توصیف شده است:

«وَكَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسِي يُسْرِعُ إِلَى الْبَلِيِّ قُفُولَهَا وَيُطَوِّلُ فِي الثَّرَى خُلُوقَهَا» (خطبه ۲۲۴)

«و چگونه به کسی ستم نمایم برای نفسی که با شتاب به کهنگی و پوسیدگی باز می‌گردد و بودن در زیر خاک بطول می‌انجامد؟»

قفول یعنی رجوع و بازگشتن. علامه مجلسی احتمال داده است که قفول جمع قفل باشد که جمع آن اقفال و قفول است و در این صورت به معنی قفل و پیوند بدن است. (هاشمی خوئی، ۱۳۲۴: ۲۹۲/۱۴) در این بخش از خطبه، نفس به مثابه یک جسم پنداشته شده و با سرعت به سمت کهنگی رفتن و متلاشی شدن که از ویژگی‌های جسم است به آن نسبت داده شده و آن را در شمار استعاره مفهومی قرار داده است.

«وَسُئِعِينُهُ عَلَى هَذِهِ النَّفُوسِ الْبِطَاءِ عَمَّا مَرَّتْ بِهِ السَّرَاعِ إِلَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ» (خطبه ۱۱۴)

«و از او کمک و یاری درخواست می‌نماییم بر این نفس‌های کند و کاهل از آنچه (عبادت و بندگی) که مأمور شده است انجام دهد و شتابنده به آنچه (معصیت و نافرمانی) که نهی شده است از به جا آوردن آن.»



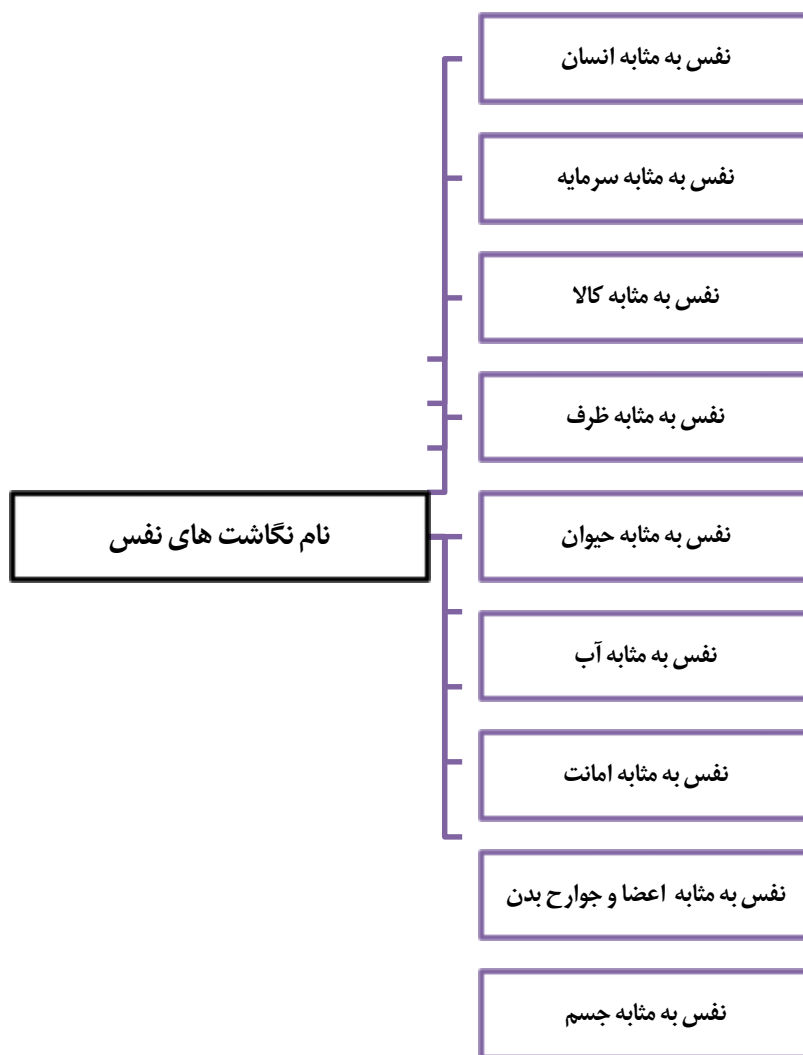
البطاء ج بطیئة به معنای کند و غیر سریع (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۸۵/۵) و السّراع، جمع «سریعة» (صالح، ۱۳۷۴: ۱۶۹) که ضد بطیئة است و به معنای سریع. کندی و سرعت از ویژگی‌های اجسام است و امام علیؑ با دادن دو ویژگی کندی و سرعت به نفس آن را به مثابه یک جسم مادی مفهوم‌سازی نموده تا ویژگی نفس اماره را با ویژگی‌های اجسام به عنوان چیزی که محسوس و عینی است برای خواننده ترسیم کند. البته با نگاهی عمیق‌تر در این عبارت و بر مبنای کاربرد فعل (نَسْتَعِينُهُ عَلَي) می‌توان نام‌نگاشت «نفس، دشمن است» را نیز از این عبارت دریافت.

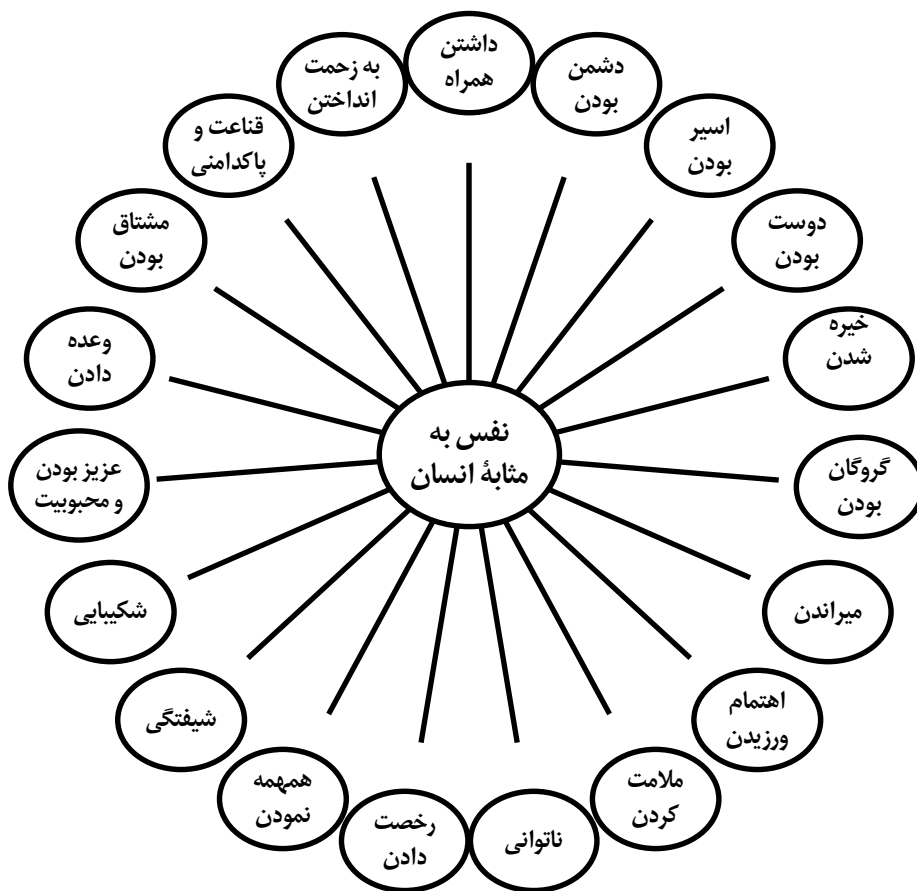
#### ۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، چگونگی مفهوم‌سازی نفس در خطبه‌های نهج البلاغه بر مبنای استعاره مفهومی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱. امام علیؑ در خطبه‌های نهج البلاغه، نفس را به عنوان حوزه مقصد بر اساس حوزه‌های مبدأ متفاوتی چون؛ انسان، سرمایه، کالا، ظرف، حیوان سرکش، آب، امانت، اعضای بدن و جسم مفهوم‌سازی و تبیین نموده است و بازنمایی نفس بر مبنای استعاره مفهومی با برقراری ارتباط میان نفس و حوزه مبدأ سبب خلق استعارات چشمگیری شده است. نام‌نگاشت‌های به دست آمده در عبارات زبانی بررسی شده عبارتند از؛ نفس به مثابه انسان، نفس به مثابه سرمایه، نفس به مثابه کالا، نفس به مثابه ظرف، نفس به مثابه حیوان سرکش، نفس به مثابه آب، نفس به مثابه امانت، نفس به مثابه اعضا و جوارح بدن و نفس به مثابه جسم.

۲. در میان نام‌نگاشت‌های مذکور، نفس بیشتر در قالب انسان نمود یافته است و از آنجایی که عکس‌العمل نفس بیشتر درباره انسان و ویژگی‌های انسانی مطرح است این امر طبیعی به نظر می‌آید و امام علیؑ با نسبت دادن ویژگی‌های متعدد انسان چون؛ داشتن همراه، دشمن بودن، اسیر بودن، دوست بودن، خیره شدن، گروگان بودن، میراندن، اهتمام ورزیدن، ملامت کردن، ناتوانی، رخصت دادن و مامشات کردن، همه‌همه نمودن، شیفتگی، شکیبایی، عزیز بودن و محبوبیت، وعده دادن، مشتاق بودن، متهم دانستن، قناعت، پاکدامنی و به زحمت و سختی انداختن به نفس آن را به صورتی ملموس برای مخاطب به تصویر کشیده است و به این ترتیب این امکان را برای مخاطب فراهم نموده تا از طریق حوزه‌های ملموس و عینی‌تر، فهم آسانتر و عمیق‌تری نسبت به لایه‌های مختلف نفس داشته باشد.





مفهوم سازی «نفس» در خطبه های نهج البلاغه بر مبنای استعاره مفهومی



## منابع

- . نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (بی‌تا)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: آیه الله مرعشی نجفی
۲. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن، ۱۹۸۷م، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر
۴. افراشی، آریتا، ۱۳۹۵ش، مبانی معناشناسی شناختی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۵. بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی، ۱۳۷۵ش، شرح نهج البلاغه ابن میثم، با ترجمه محمد صادق عارف و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۶. پانتر، دیوید، ۱۳۹۴ش، استعاره، ترجمه: محمد مهدی مقیمی زاده، تهران: نشر علم
۷. نیلور، جان آر و لیتلمور، جانت، ۱۳۹۶ش، راهنمای زبان‌شناسی شناختی، مترجمان: وجیهه و نجمه قرشی، تهران: نشر نویسه پارسه
۸. جاحظ، عمر بن بحر، ۱۴۱۲ق، البیان و التبيين، بیروت: الهلال
۹. جرجانی، عبدالقاهر، ۱۹۸۸م، اسرار البلاغة في علم البیان، بیروت: دار الکتب العلمیة
۱۰. راسخ مهند، محمد، ۱۳۸۹ش، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: مفاهیم و نظریه‌ها، تهران: سمت
۱۱. سجودی، فرزانه، ۱۳۹۰ش، نظریه معاصر استعاره، ضمن کتاب استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی، تهران: انتشارات سوره مهر
۱۲. صالح، صبحی، ۱۳۷۴ش، نهج البلاغة، قم: مرکز البحوث الاسلامیة
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۷ش، المیزان فی تفسیر القرآن: ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
۱۴. عبدالکریمی، سپیده، ۱۳۹۳ش، فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی، تهران: انتشارات علمی
۱۵. الفراهیدی، خلیل بن أحمد (بی‌تا)، العين، المحقق: مهدی السمخزومی، ابراهیم السامرائی، الناشر: دار ومکتبة الهلال

۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۰)، معناشناسی شناختی قرآن، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۷. ....، ۱۳۹۳ش، استعاره‌های مفهومی در آیات قرآن. به چاپ رسیده در مجموعه مقالات زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی، تهران: هرمس. ص ۳۱-۵۹
۱۸. ....، ۱۳۹۷ش، استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۹. کووچش، زلتن، ۱۳۹۳ش، مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، ترجمه: شیرین پورابراهیم، تهران: سمت
۲۰. لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک،، ۱۳۹۴ش، استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم؛ ترجمه: هاجر آقا ابراهیمی، تهران: نشر علم
۲۱. لیوون، تئوون، ۱۳۹۵ش، آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی، ترجمه: محسن نوبخت، تهران: انتشارات علمی
۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۸ق، شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الانوار، تنظیم: علی انصاریان، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر
۲۳. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۹۰ش، پیام امام‌المومنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۲۴. هاشمی، زهره، ۱۳۸۹ش، نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، ادب پژوهی، ش، ۱۲، ص ۱۱۹-۱۴۰
۲۵. هاشمی خوئی، حبیب‌الله، ۱۳۲۴ش، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، به تصحیح ابراهیم المیانجی، تهران: مكتبة الاسلامیة

26. Harrison, Victoria s.(2007). Metaphor and Religious Language and Religious Experience. Sophia : International Journal for philosophy of Religion. 46(2). Pp 127- 145.

